

تحلیل فرهنگی - ارتباطی اختلاط جنسی؛ مبتنی بر دیدگاه اسلامی

محمدصادق نصراللهی*

محمدسجاد کافی**

چکیده

با بررسی منابع دینی به دو سنخ خط روایی و سیره‌ای در سلوک اهل بیت علیهم‌السلام در رابطه با موضوع اختلاط برمی‌خوریم. بر همین اساس، سؤال اول این مقاله آن است که: اختلاط جنسی از منظر اسلام چه حکمی دارد؟ پاسخ به این سؤال به نحو مطلق است یا مشروط؟ با توجه به پاسخی که به این سؤال مقدماتی داده می‌شود، سؤال اصلی دوم مطرح می‌شود که با توجه به مبنای اسلامی اختلاط جنسی اجتماعی، با چه صورت‌بندی فرهنگ و ارتباطی می‌توان بین خطوط مختلفی روایی جمع کرد؟ به بیان دیگر، چهارچوب اسلامی اختلاط جنسی از حیث فرهنگی و ارتباطی، چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ یافته‌های پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی به دست آمده، نشان می‌دهد که دوگانگی موجود در روایت‌ها ظاهری بوده و از منظر فرهنگی و ارتباطی قابل جمع‌اند؛ با این تفسیر که اصل اختلاط به معنای شکل‌گیری ارتباط کلامی و غیرکلامی بین دو یا چند زن و مرد در یک فضای مشترک فیزیکی یا مجازی در اسلام مذموم و ممنوع نیست بلکه در چهار موقعیت فرهنگی و ارتباطی، این نوع اختلاط مذموم خواهد بود: ۱- اشتراک معنای متلذذ، ۲- انتقال پیام نامتعارف، ۳- اختلاط مستقر مکان‌مند، ۴- اختلاط مستمر زمان‌مند (عرفی شده). این صورت‌بندی فرهنگی - ارتباطی از چهارچوب اسلامی اختلاط، می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری در مواجهه با آن قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اختلاط جنسی، معنای متلذذ، اختلاط عرفی شده، پیام نامتعارف، اختلاط مستمر.

* دانشیار گروه فرهنگ و حکمرانی، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

m.nasrollahi@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ms.kafi@isu.ac.ir

مقدمه

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در ساخت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ بیگانه باشد، به‌ناچار دیگر ابعاد آن جامعه نیز به آن سو می‌گراید. درنهایت در فرهنگ بیگانه مستهلک‌شده و موجودیت خود را از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن جامعه نشئت می‌گیرد؛ به‌همین دلیل از دیرباز استعمارگران، فرهنگ جوامع زیر سلطه را نشانه رفته‌اند. «فرهنگ نظام الگویی نسبتاً پایدار و اکتسابی بینش، گرایش و کنش و ماحصل آن در یک اجتماع انسانی است» (نصراللهی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۵). در تعریف دیگر درباره فرهنگ و فرهنگ دینی این‌طور آمده است: «فرهنگ به مجموعه بینش‌ها، دانش‌ها، گرایش‌ها و تمایل‌ها، قواعد، کنش‌ها، رفتارها (هنجارها) و ارزش‌هایی که در یک جامعه وجود دارد [می‌گویند]. با این چهار معیار می‌توان فرهنگ‌ها را محک زد. گاهی یک فرهنگ، دینی است یعنی در جامعه بخشی یا همه بینش‌ها، گرایش‌ها، هنجارها و ارزش‌های یک دین خاص حاکم است» (کافی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷).

از طرف دیگر، فرهنگ بدون ارتباطات قابل‌تصور نیست. به‌بیان دیگر، فرهنگ تنها در اجتماعی از انسان‌ها که با یکدیگر ارتباط و درهم‌کنش دارند، موضوعیت می‌یابد. این بدان‌معناست که فرهنگ در مورد یک انسان تنها بی‌معناست. اکتساب و انتقال فرهنگ جز از رهگذر ارتباط رخ نمی‌دهد. این وابستگی در مورد ارتباطات هم وجود دارد و لازمه ارتباط حداقلی به جهت اشتراک معنا، وجود مشترکی از فرهنگ واحد بین ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر است؛ بنابراین دو مفهوم فرهنگ و ارتباطات، لازم و ملزوم یکدیگرند.

این مقاله بر آن است که با دریچه و نگاه فرهنگ و ارتباطات به یک موقعیت و کنش اجتماعی مهم و مرسوم در جامعه بپردازد. این کنش اجتماعی که ناظر به موقعیت ارتباطی ناهمجنس است، «اختلاط» نام دارد. به‌نظر می‌رسد که موقعیت اختلاط از جهت ناهمجنس بودن طرفین ارتباطی، وضعیتی خاص به خود می‌گیرد و ممکن است محل اشتراک معانی و انتقال پیام‌هایی باشد که در سطح خرد و کلان، تبعاتی برای

جامعه داشته باشد. از همین منظر، دین اسلام، توجهی ویژه به این موقعیت داشته و احکامی را بر آن مترتب داشته است.

در این مقاله، ضمن تبیین مسئله و پیشینه پژوهش و همچنین کنکاش پیرامون مفهوم اختلاط، چهارچوب نظری آن از منظر اسلامی بحث شده و تلاش می‌شود خوانشی فرهنگی - ارتباطی از چهارچوب اسلامی اختلاط ارائه شود.

۱. تبیین مسئله

«اختلاط زن و مرد» از جمله موضوع‌هایی است که در تعالیم اسلامی و به‌ویژه در فقه اسلامی مورد توجه بوده است. مروری گذرا بر این تعالیم نشان می‌دهد که با نوعی دوگانگی در موضع‌گیری مواجه هستیم. نوع اول از روایت‌ها ناظر به مذموم بودن پدیده اختلاط در فرهنگ اسلامی است. از آن جمله می‌توان به اختصاصی کردن درب مسجد النبی برای زنان از سوی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که حضرت جهت سهولت در رفت‌وآمد زنان به مسجد به یکی از درها اشاره کردند و فرمودند: خوب است که این در را به زنان اختصاص دهیم^۱ (البانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص. ۹۳۲ و ابن حزم، بی‌تا، ج ۲، ص. ۱۳۱) و یا این حدیث از امام صادق (علیه‌السلام) که فرمودند: جدم رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «خانم‌ها نباید از وسط جاده حرکت کنند و فقط می‌توانند از کناره‌های آن حرکت کنند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص. ۵۱۸ و طبرسی، ۱۳۶۵، ص. ۴۹۶).

در مقابل این خط روایی، به موقعیت‌هایی از سیره معصوم (علیه‌السلام) استناد می‌شود که در عین تحقق موقعیت‌های اختلاط به معنای بودن زن و مرد در یک محیط واحد و شکل‌گرفتن کنش اجتماعی، منعی از معصوم (علیه‌السلام) صورت نگرفته است. مصادیقی همچون دارمیه حجونیة^۲ یا حضور و کمک‌رسانی زنانی همچون حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، ام ایمن، ام سلیم و... در میدان جنگ به‌عنوان یک فضای کاملاً مردانه یا تجارت حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) از این‌گونه مواردند (طبرسی

۱. لو ترکنا هذا الباب للنساء

۲. دارمیه حجونیة، (محدث، متوفی قرن ۱ق) وی زنی سیاه‌صورت و سپیدسیرت از قبیله بنی‌کنانه، و از طرفداران امام علی (علیه‌السلام)، بانویی بافضیلت و بافصاحت بود.

۱۴۰۳، ج ۱، صص. ۹۷-۱۰۷؛ واقدی، بی تا، ج ۱، ص. ۲۷۲؛ ابن هشام، ۱۴۱۵، ج ۳، ص. ۹۱).

برهمن اساس، می توان این سؤال اصلی و مبنایی را مطرح کرد که موضع اسلام در قبال پدیده اختلاط جنسی در جامعه چیست؟ آیا تعارض یا تزامنی در ادله اسلامی وجود دارد یا قابل جمع هستند؟ برهمن اساس، سؤال دومی مطرح می شود که آیا می توان از منظرگاه فرهنگ و ارتباطات، بازخوانی ای نوین از چهارچوب اسلامی متزاحم اختلاط داشت و بین روایات ناظر به اختلاط جمع کرد؟ آیا می توان به ملاک و معیارهایی فرهنگی و ارتباطی دست یافت تا حدود و ثغور اختلاط شرعی مشخص شود؟

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با اختلاط جنسی از منظر اسلامی، پژوهش های قابل توجهی انجام شده است. به تعدادی از آنها در ادامه اشاره می شود:

در پژوهشی با عنوان «اختلاط زنان و مردان در مجالس» نوشته صالح ویسی (۱۳۹۵)، سعی شده اختلاط از منظر آیات، روایات و فتاوی مراجع عظام و حتی قانون بررسی و در پایان راهکارهایی برای نفی اختلاط شود.

مقاله «آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام» سهیلا جلالی کندی (۱۳۸۴)، درباره حضور زنان مسلمان در اجتماع و شرکت فعال آنان در عرصه های مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی است.

مقاله ای با عنوان «پژوهشی در ارتباط دختر و پسر در دانشگاه ها و نقد دیدگاه ها» تألیف ماهینی و دیره (۱۳۹۱) است. در این تحقیق سه نظریه اضطرار، اختلاط و اعتدال بررسی شده و در آخر نتیجه گرفته شده که نزدیک ترین نظر به آموزه های اسلامی همان نظریه اعتدال است. ایشان با استناد به قرآن و تفسیر المیزان، معروف (یعنی همان چیزی که مردم آن را معروف بدانند؛ البته مردمی که از راه فطرت و از مقتضای نظام خلقت منحرف نگردیده باشند) را ملاک رابطه زن و مرد می دانند. نویسندگان با «اصل اعتدال در اسلام» و رجوع به «سیره انبیاء و ائمه (علیهم السلام)» سعی در تأیید نظریه خود دارند.

مقاله «بررسی فقهی تفکیک جنسیتی» نوشته احمد امامی راد (۱۳۹۲)، به بررسی فقهی تفکیک جنسی در مراکز آموزشی پرداخته است. نویسنده نتیجه گرفته است که

تفکیک جنسیتی به طور مطلق مطلوب و مستحب است و اگر در اختلاط جنسیتی علم به ارتکاب گناه باشد، تفکیک جنسیتی از سوی خود ملکف خانواده، مسئولان و قانون‌گذار واجب خواهد بود.

مقاله «تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی؛ نسبت‌سنجی دیدگاه‌ها با آموزه‌های دینی» نوشته کهنتری، گل محمدی و میرعظیمی (۱۳۹۸) است. این مقاله به بررسی تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی از دیدگاه صاحب‌نظران دینی پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده است که طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها قابلیت اجرا دارد و همچنین از اهمیت و منطق لازم در نگاه شرع و عقل برخوردار است. تلاش شده است نوآوری این مقاله، از آن جهت باشد که اختلاط را از منظری متفاوت بلکه نوین به اسم فرهنگ و ارتباطات توجه و بررسی نماید. منظری که به نظر می‌رسد حرف‌های تازه‌ای نسبت به این پدیده داشته باشد.

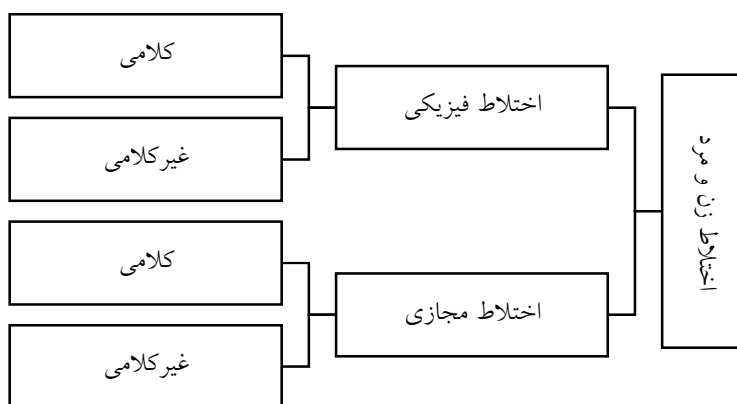
۳. چهارچوب مفهومی

۳-۱. مفهوم‌شناسی اختلاط

اختلاط در اصل واژه‌ای عربی است. این واژه به معنای آمیخته‌شدن، درهم‌شدن، امتزاج و... آمده است. این معنای از اختلاط در مورد اشیاء یا حیوانات استعمال می‌شود. علاوه بر این معنای کلی، دو معنای خاص نیز به آن نسبت داده‌اند: ۱- گفتگوی دوستانه (اختلاط کردن) و ۲- همبستر شدن (در معنای قدیم) (دهخدا، ۱۳۷۲، ص. ۱۲۷۳ و عمید، ۱۳۸۹، ص. ۸۱). توجه به این دو معنای اخیر از این جهت قابل توجه است که ناظر به نوعی «نزدیکی و قرابت در ارتباطات انسانی» است. ارتباطی که جنبه روانی آن ناظر به نوعی هم‌کلامی صمیمانه و جنبه جسمانی آن ناظر به نوعی هم‌کنشی جنسی است.

اما در اصطلاح زمانی که از «اختلاط بین زن و مرد» سخن به میان می‌آید منظور «حضور زن و مرد نامحرم در یک فضای مشترک و واحد خصوصی یا عمومی است که منجر به شکل‌گیری نوعی از ارتباط و کنش متقابل - آگاهانه یا ناخودآگاه، کلامی یا غیرکلامی - می‌شود». حضور هم‌زمان و هم‌مکان زنان و مردان در مهمانی‌های خانگی، محیط‌های کاری، اماکن زیارتی، فضاهای تجاری و ... همه و همه مصادیقی از اختلاط است. حتی با ظهور فضای مجازی می‌توان از اصطلاحی با عنوان «اختلاط مجازی» نیز

سخن به میان آورد که در آن زن و مرد در یک فضای مجازی مشترک به ارتباط یا کنش متقابل می‌پردازند. ارتباطاتی که در یک گفتگوی خصوصی یا یک گروه خانوادگی یا حتی در یک صفحه اینستاگرامی یا پخش زنده اینستاگرامی رخ می‌دهد می‌تواند مصادیقی از این موضوع باشد. توجه به این نکته نیز مهم است که اختلاط از منظر ارتباطی می‌تواند اختلاط کلامی و غیرکلامی باشد. گاهی کنش متقابل یک زن و مرد از جنس رد و بدل کردن کلام و الفاظ زبانی است و گاهی می‌تواند در حد رد و بدل کردن یک نگاه و نظر باشد.



شکل (۱): کنش متقابل یک زن و مرد

منبع: (نگارنده)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که اختلاط به معنای آمیخته‌شدن:
 - در لغت به معنای درهم شدن دو یا چند چیز؛
 - در اصطلاح به معنای شکل‌گیری ارتباط کلامی و غیرکلامی بین دو یا چند زن و مرد در یک فضای مشترک فیزیکی یا مجازی است.

۲-۳. تحلیل فرهنگی و ارتباطی

اصطلاح «تحلیل فرهنگی - ارتباطی»^۳ در عنوان، بر اساس رهیافت مطالعاتی «فرهنگ و ارتباطات» مطرح شده است. این رهیافت میان‌رشته‌ای در مسیر تبدیل شدن به یک

رشته با چهارچوب مفهومی، نظری و روش‌شناسی خاص خود است.^۴ گزاره اصلی این رهیافت آن است که «فرهنگ و ارتباطات دو مفهوم و پدیده بسیار نزدیک به هم و با بالاترین سطح از کنش متقابل و بده - بستان» هستند. این بدان معناست که در هر تغییر فرهنگی توجه به ارتباط مؤثر و در هر ارتباط مؤثر توجه به فرهنگ طرفین ارتباطی مهم و اساسی است، از همین منظر اگر بخواهیم نیم‌نگاهی به اختلاط داشته باشیم.

از منظر این مقاله، اختلاط هم یک فرهنگ است و هم یک ارتباط. فرهنگ است در دو وضعیت: ۱- موجود و ۲- مطلوب. فرهنگ موجود اختلاط به معنای «نظام الگویی پذیرفته شده و رایج بینش، گرایش و کنش اختلاط (آمیختگی) زن و مرد در جامعه است»؛ به طوری که افراد آن را بدیهی و ارزشمند می‌دانند و با تضعیف آن مخالفت می‌کنند. فرهنگ مطلوب اختلاط نیز «نظام الگویی متعالی و مطلوب بینش، گرایش، کنش اختلاط زن و مرد در جامعه است که از نظر متشرعین و دین‌باوران ارزش و بدیهی است».

اما ارتباط‌گونگی اختلاط نیز بدان معناست که «جریان، فراگرد و فراگرد تراکنشی انتقال پیام از ارتباط‌گر به ارتباط‌گیر با جنس مخالف است به طوری که حداقلی از اشتراک معنا» رخ دهد. این تعریف مبتنی بر تعریف محسنیان راد است که ارتباط را جریان، فراگرد یا تراکنش جابه‌جایی پیام میان حداقل دو منبع معنی مشروط بر آنکه معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر، مشابه معنی مورد نظر ارتباط‌گر باشد؛ می‌داند (محسنیان راد، ۱۳۹۶، ص. ۴۶۳)؛ بنابراین اختلاط به عنوان یک ارتباط روزمره بر فضای باورها و ارزش‌های جامعه اثر می‌گذارد و همین فضای باور و ارزش نیز بستری برای بروز و ظهور اختلاط است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که طبق رهیافت فرهنگ و ارتباطات:

۴. مبدع تأسیس و شکل‌گیری این رهیافت مطالعاتی در ایران، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) بوده است. شکل‌گیری چنین رهیافتی در اذهان مؤسسان آن، از این نیاز و دغدغه نشئت گرفته است که برای داشتن یک ارتباط مؤثر و موفق به‌ویژه در ارتباطات دینی با هدف تبلیغ دین، علاوه بر داشتن محتوای دینی غنی و عمیق، بایستی اولاً، به فرایند ارتباط و ابزار و وسایل آن و همچنین شکل پیام توجه کرد؛ ثانیاً، بستر و زمینه معنایی، ارزشی و فرهنگی مخاطب را نیز مدنظر قرار داد. این بدان معناست که هر ارتباطی در هر جامعه‌ای به یک شکل اثرگذار نخواهد بود و ارتباطی مؤثر است که متناسب و همگرا با بستر فرهنگی مخاطب باشد.

- ۱- اختلاط موجود جامعه بسان یک بستر ناظر به تعریف موجود از فرهنگ است.
- ۲- اختلاط مطلوب جامعه یک بستر ناظر به تعریف مطلوب از فرهنگ است.
- ۳- اختلاط موجود جامعه بسان یک فرایند ناظر به تعریف موجود از ارتباط است.
- ۴- اختلاط مطلوب جامعه بسان یک فرایند ناظر به تعریف مطلوب از ارتباط است.

۴. چهارچوب نظری

در این بخش، به دو ساحت نظری که بناست در بخش تحلیل به یکدیگر نزدیک شوند، می‌پردازیم. ساحت اول، منظرگاه اسلامی به پدیده اختلاط جنسی است که تلاش می‌شود آموزه‌های اسلامی ناظر به اختلاط جنسی مرور شود. ساحت دوم، توصیف منظرگاه فرهنگی - ارتباطی این مقاله تحت عنوان «مدل تراکنشی منبع معنی» است که بنا است در آینده دستگاه تحلیلی این مقاله در بررسی رویکرد اسلامی به اختلاط جنسی باشد.

۴-۱. اختلاط جنسی از منظر اسلام

همان‌طور که پیش از این در بخش تبیین مسئله نیز گفته شد، مراجعه به منابع دینی، نشانگر نوعی دوگانگی نسبت به مقوله اختلاط است. در اینجا به شکلی تفصیلی‌تر دو خط روایی مطرح می‌شود تا مقدمه‌ای باشد جهت تلاش علمی این مقاله در بخش تحلیل که بتواند با دستگاه تحلیلی فرهنگی - ارتباطی میان دو دسته روایت جمع کند.

۴-۱-۱. منع از اختلاط زن و مرد

سنخی از متون دینی دلالت بر مذموم بودن مطلق اختلاط در جامعه دارد. ذیلاً به چند نمونه اشاره می‌شود:

- منبع از اختلاط کلامی: در روایتی امام صادق (علیه‌السلام) از پدران بزرگوارشان نقل می‌کنند که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) زن را از تکلم نزد غیرهمسرش و غیرمحرمش بیش از پنج کلمه که چاره‌ای برای او از صحبت کردن نیست، نهی

کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۶).^۵

- **منع از اختلاط غیر کلامی:** کیفیت راهنمایی دختر حضرت شعیب در روایتی از امام باقر (علیه السلام) آمده است. ایشان می‌فرمایند: دختر شعیب به درخواست پدر خویش مأمور به آوردن حضرت موسی (علیه السلام) شد. موسی (علیه السلام) بعد از شنیدن درخواست ایستاد؛ اما به دختر حضرت شعیب فرمود: پشت من راه بیا و من را راهنمایی کن و اگر خطا کردم با پرتاب کردن سنگ من را راهنمایی کن چراکه ما بنی یعقوب به پشت زنان نگاه نمی‌کنیم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص. ۵۹). در روایت آمده است که در حجة الوداع، زنی برای جواب مسئله‌ای خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد. فضل ابن عباس در عقب رسول خدا سوار بود، نگاه‌هایی بین آن زن و فضل رد و بدل شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) متوجه شد که آن دو به هم خیره شدند و زن به جای اینکه توجهش به جواب مسئله باشد تمام توجهش به فضل است که جوانی نارس و زیبا بود. حضرت (صلی الله علیه و آله وسلم) با دست خویش، صورت فضل را برگرداند و فرمود «می‌ترسم شیطان میان زنی جوان و مردی جوان، دام بنهد» (طوسی، ۱۳۷۸ق، ج ۴، ص. ۱۶۰).^۶ اتفاقاً این نمونه جالبی از ارتباطات غیر کلامی اختلاط است. در اینجا تنها نگاه رد و بدل شده و سخنی به میان نیامده است؛ اما نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) از آن منع کرده‌اند، اگرچه بسیار ضمنی و پنهان است. در نمونه‌ای دیگر از جنبه غیر کلامی اختلاط، آن حضرت می‌فرمایند: «هر که با زن بیگانه دست دهد به خشم خدا گرفتار شده و هر کس به زن بیگانه بچسبد با شیطان به یک زنجیر بسته شود و به آتش افکنده شود»^۷ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص. ۴۲۹؛ ابن

۵. عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ (علیه السلام) عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله وسلم) فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: وَنَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَغَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خُمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ.

۶. رَوَى أَنَّ الْخَنْعَمِيَّةَ أَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله وسلم) فِي حُجَّةِ الْوَدَاعِ تَسْتَفْتِيهِ فِي الْحَجِّ وَكَانَ الْفَضْلُ بْنُ عَبَّاسٍ رَدِيفَ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله وسلم)، فَأَخَذَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا وَأَخَذَتْ تَنْظُرُ إِلَيْهِ فَصَرَفَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله وسلم) وَجْهَهُ الْفَضْلَ عَنْهَا وَقَالَ رَجُلٌ شَابٌ وَامْرَأَةٌ شَابَةٌ فَخَشِيَتْ أَنْ يَدْخُلَ بَيْنَهُمَا الشَّيْطَانُ.

۷. الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ التَّرَمَّ امْرَأَةً حَرَامًا قُرِنَ فِي سَلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ شَيْطَانٍ فَيُقَدِّقَانِ فِي النَّارِ.

بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۱۴ و حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص. ۱۹۶).

- تأکید بر تفکیک محیطی زن و مرد: در آیه ۲۳ قصص آمده است که دختران شعیب (علیه‌السلام) از اختلاط محیطی بین خودشان و قومی از چوپان‌ها که گله‌های خود را آب می‌دادند، پرهیز کردند. به طوری که منتظر ماندند تا مردان قوم گله‌های خود را سیراب کرده بعد برای سیراب کردن چهارپایان خود اقدام کنند.^۸ در رویکردی اجتماعی‌تر، معصومین (علیهم‌السلام) بر جداسازی فضای رفت‌وآمد و استقرار زن و مرد تأکید داشتند. از جمله پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اشاره به یکی از درهای مسجد نبوی کردند و به یارانشان فرمودند: «اگر این در را برای بانوان اختصاص دهیم، دچار مشکل نمی‌شوند و اختلاط پیش نمی‌آید (البانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص. ۹۳۲ و ابن‌حزم، بی‌تا، ج ۲، ص. ۱۳۱). همچنین در جای دیگری می‌فرمایند: «بین مردان و زنان نامحرم جدایی ایجاد کنید (تا با هم برخورد و تماس نداشته باشند)؛ زیرا هنگامی که آنان رودرروی یکدیگر قرار گرفتند و با هم رفت‌وآمد داشتند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت».

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز خطاب به امام حسن (علیه‌السلام) فرمودند: «بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیرصالح را در میانشان آوری و...» (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص. ۵۳۸) و در نهایت نبی مکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در جایی فرمودند: «بر زنان سزاوار نیست که از وسط جاده عبور کنند، آنان باید از کنار دیوار و جاده بروند (تا با مردان نامحرمی که از وسط راه می‌روند، روبه‌رو نشوند)» (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۳۷۴). در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) به نقل از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، دلیل این تفکیک روشن شده است که فرمودند: «ای اهل عراق، خیردار شده‌ام که زنان شما در بین راه (کوچه و بازار) با مردان برخورد می‌کنند، آیا حیا نمی‌کنید؟». در حدیث دیگر آمده است که امیرمؤمنان (علیه‌السلام) فرمود: «آیا حیا نمی‌کنید و غیرت ندارید که زنان شما (از منزل بیرون می‌آیند) و در

۸. وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ.

۹. با عدوا بین انفاس الرجال والنساء فانه اذا كانت المعاينة واللقاء كان الداء الذي لا دواء له.

بازار با اجنبی‌ها برخورد می‌کنند؟»^{۱۰} (طبرسی، ۱۳۷۹، ص. ۵۰۱ و حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص. ۲۳۵). احتمال برخورد فیزیکی زن و مرد را می‌توان دلیل توجه به تفکیک محیطی دانست.

در یک جمع‌بندی با توجه به روایات مذکور می‌توان چنین گفت که اختلاط بین زن و مرد نامحرم یک امر قبیح و مذموم بوده و شارع مقدس نسبت به آن رضایت ندارد. بنابر همین روایات، عده‌ای از فقها به مطلقاً حرام بودن اختلاط فتوا داده‌اند از جمله آیت‌الله صافی و آیت‌الله بهجت که نفس اختلاط با نامحرم را حرام می‌دانند (صافی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۶ و بهجت، ۱۳۸۶^{۱۱}).

۴-۱-۲. عدم منع از اختلاط

در سیره معصوم (علیه‌السلام) نقلی نسبت به مدح اختلاط وجود ندارد؛ اما بخش‌هایی از سیره از جنس تقریر وجود دارد که معصوم (علیه‌السلام) علی‌رغم پدید آمدن اختلاط، از آن نهی نکرده است. به‌بیان‌دیگر، مصادیقی از حضور اجتماعی زن در عهد معصوم (علیه‌السلام) وجود داشته که مستلزم اختلاط هم بوده است. این سنخ از تقریرها در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، علمی و فرهنگی به‌طور خلاصه آورده خواهد شد:

- **اختلاط در محیط نظامی:** امّ عطیه می‌گوید: هفت جنگ را در کنار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بودم. پشت مسلمانان حرکت می‌کردم. بر ایشان غذا می‌پختم. مجروحان را مداوا و از بیماران مراقبت می‌کردم (مسلم، بی‌تا، ج ۳، ص.

۱۰. یا أَهْلَ الْعِرَاقِ ثُبُتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحُونَ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ أَمَا تَسْتَحُونَ وَ لَا تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يُخْرَجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ يُرَاحَمْنَ الْعُلُوجَ.

۱۱. آیا اختلاط بین زن و مرد حکمی جدای از نگاه به نامحرم یا لمس و تماس و صحبت با آنها دارد؟ و اگر در مجموعه‌ای زن‌ها و مردها مخلوط باشند، با رعایت حجاب و حفظ نگاه و عدم تماس و صحبت مشکوک، آیا نفس اختلاط آنها با همدیگر حرام است؟ به جهت معرضیت نوعیه برای معیت یا تعقب به حرام، اختلاط حرام است (بهجت، ۱۳۸۶، مسئله ۵۲۵۳).

هم‌اکنون در کلیه واحدهای دانشگاه‌های آزاد اسلامی در کل کشور، کلاس‌های خانم‌ها و آقایان جدا هستند. نظر حضرت‌عالی چیست؟ البته جدا کردن کلاس‌های دختران و پسران کار لازمی است چون معلوم است که کلاس‌های مختلط مفاسده زیاد دارد. به‌طورکلی ورود زن در صحنه اجتماع و دوشادوش مردان و به‌طور مختلط با آنها در همه امور، شرکت کردن، مفاسد بسیار دارد که مجال شرحش نیست و بلکه از کثرت وضوح، نیاز به شرح ندارد (صافی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۶).

۱۴۴۷). همچنین دختر قیس ابن ابی صلت غفاری از محدثان بود و روایات زیادی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل نموده است. این بانو نسبت به مجاهدین و رزمندگان کمال شفقت را داشت. او در جنگ‌ها حضور داشت و برای مداوای مجروحان و تخلیه شهدا سهم مؤثر و به‌سزایی داشت.

علاوه بر پرستاری، عده‌ای از زنان در میدان جنگ به مبارزه پرداختند؛ مانند امّ سلیم در نبرد حنین، درحالی‌که باردار بود و خنجری نیز با خویش حمل می‌کرد. حضرت با دیدن او و خنجرش پرسید: این خنجر چیست ای ام سلیم؟ گفت: این خنجر را برداشته‌ام تا اگر مشرکی خواست به من نزدیک شود، شکمش را پاره کنم! (طبری، ۱۳۷۸ق، ج ۳، صص. ۶۶-۶۷). یا نسبیّه بنت کعب از کسانی است که در جنگ احد در دفاع از پیامبر به شهادت رسید، درحالی‌که با مشرکان جنگید و تعدادی از آنها را کشت. پیامبر درباره او فرمودند: «مقام نسبیّه برتر از مقام فلان و فلان و فلان فرد است»^{۱۲} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰، ص. ۵۴).

- **اختلاط در محیط فرهنگی:** در قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک فعل فرهنگ‌ساز، وظیفه هم‌زمان زن و مرد قرار داده شده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»؛ برخی مردان و زنان مؤمن بر برخی ولایت دارند و به معروف یکدیگر را امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند و نماز می‌گذارند و زکات می‌دهند (توبه / آیه ۷۱)؛ در تفسیر نور همنشینی مؤمنون و مؤمنات، نقش‌آفرینی هر دوی آنها در اصلاح جامعه برداشت شده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص. ۱۰۴). همچنین علامه طباطبایی ذیل «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» می‌نویسد: این قسمت دلالت دارد بر اینکه زنان و مردان مؤمن با کثرتشان از نظر عددی و پراکندگی‌شان از نظر زن بودن و مرد بودن، یک واحد پیوسته هستند که شکافی بین آن نیست و به‌خاطر همین بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده‌دار می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص. ۳۳۸)؛ مانند تبلیغ و مؤعظه کردن صفیه عمه رسول خدا و ام ایمن، زمانی که مسلمانان از صحنه جنگ احد می‌گریختند (جلالی

۱۲. لمقام نسبیّه أفضل من مقام فلان وفلان وفلان

کندری، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۶).

یکی دیگر از عرصه‌های حضور زنان در اجتماع، عرصه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغ آن به گونه‌های سخنرانی و شعر می‌باشد و این مصداق بارز در تاریخ اسلام ثبت شده است. در تاریخ آمده که «بعد از واقعه بدر، کعب بن اشرف که مردی شاعر و زبان‌آور بود در اشعار خود رسول خدا را بد می‌گفت و دشمنان را بر ضد مسلمین تحریک می‌کرد. از مسلمانان زنی به نام میمونه در جواب کعب و رد او اشعاری گفت، ولی کعب نام زنان مسلمان را در اشعار خود با بی‌احترامی می‌برد و مسلمانان را آزار می‌داد. در این موقع رسول خدا فرمودند: کیست که مرا از دست پسر اشرف آسوده کند؟ (محمد بن مسلمه) گفت: من خود این مهم او را کفایت می‌کنم و او را می‌کشم (آیتی، ۱۳۷۸، ص. ۹۴).

- **اختلاط در محیط علمی:** دختر قیس ابن ابی صلت غفاری از محدثان بود و روایات زیادی از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل نموده و تعدادی از تابعین شاگردان او بودند که به وساطت این بانو حدیث را از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌شنیدند. او علاوه بر اینکه محدثه بود احادیث را خوب می‌فهمید و نقل می‌نمود، یک نیروی رزمی نیز بود (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص. ۳۱۷). اهمیت به علم‌آموزی و شناخت اصول و فروع دین به زنان، آنقدر از نظر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اهمیت داشت که در مقابل خواسته زنان روزی از روزهای هفته را به این مطلب اختصاص می‌دهند: «حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به زنان فرمود: در فلان روز و فلان جا گردهم آیند تا شما را آموزش دهم و رسول خدا از مطالب و حیاتی به آنان آموخت» (سیدی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰۴ به نقل از بخاری، بی‌تا، ج ۸، ص. ۱۴۹؛ مسلم، بی‌تا، ج ۸، ص. ۳۹). همچنین از ماجرای شوخی ابوبصیر با زن نامحرم، امکان اختلاط زن و مرد در محیط آموزشی قابل برداشت است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص. ۲۴۷).

- **اختلاط در محیط اقتصادی:** سلامد زن مسلمانی است که از راه چرای گوسفندان و دریافت مزد از صاحبان آنها امرار معاش می‌کند. خودش می‌گوید در آن هنگامی که از طلوع خورشید اسلام مدتی نگذشته بود و من به چرانیدن گوسفندان مشغول

بودم یک روز پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از مقابل من عبور کرد و پرسید: سلامد به چه چیز ایمان داری؟ و به چه چیز شهادت می‌دهی؟ گفتم: من به یگانگی خدا شهادت می‌دهم و باور دارم که محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسول خدا و فرستاده اوست. آنگاه پیامبر تبسمی کرد و رفت» (کرمانی، ۱۳۷۴، صص. ۷۱-۷۲).

«قیله انماری» تاجر بوده و در باب دادوستد از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) راهنمایی خواسته است. حواء زنی بود که در مدینه عطاری داشت. «ملیکه ثقفی» عطر فروش بود. «سعیره اسدی»، پارچه‌بافی داشت و از پشم و مو پارچه درست می‌کرد. خاله جابر بن عبدالله انصاری، نخلداری می‌کرد (حجازی دوست، ۱۳۹۷ به نقل از آینه‌وند، ۱۳۸۵، صص. ۳۰۷-۳۰۹).

حضرت خدیجه کبری (سلام‌الله‌علیها) از سرآمدان تجارت آن عصر به‌شمار می‌آمد. ایشان از تاجران سرشناس عربستان بود و ارقام عمده‌ای از کالاهای مورد نیاز را خرید و فروش می‌کرد. ایشان حداقل با چهار کشور (شام، حبشه، مصر، یمن) ارتباط اقتصادی داشت و حدود چهارصد کارگزار و نیرو زیردست ایشان بود و هشتاد هزار شتر داشت. یکی از ویژگی‌های اقتصاد آن زمان، بهره‌گیری از ربا، حيله و حقه در معاملات بود؛ اما ایشان اقتصادی پاک بدون ربا و با توجه به آن ضوابطی که دین ابراهیمی مدنظر داشته، تشکیل داده بود (رفیعی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۶).

با توجه به نصوصی که در هر دسته ارائه شد در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که خط روایی دوم با استشهاد به ادله و شواهدی نشان می‌دهد که حضور اجتماعی زن در عرصه‌های مختلف که مستلزم اختلاط او با مردان بوده است، در تاریخ اسلام و در حضور معصوم (علیه‌السلام) امری رایج و عادی بوده است و معصوم (علیه‌السلام) به شکل مطلق از آن نهی نکرده است. از همین رو، اکثر مراجع تقلید معاصر، نفس اختلاط را حرام ندانسته مگر آنکه معرضیت در فتنه و فساد داشته باشد^{۱۳}؛ اما علت مذموم بودن

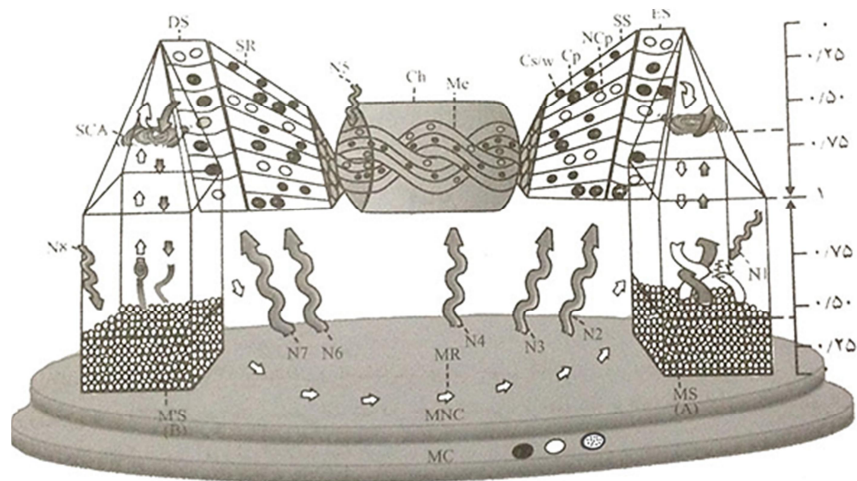
۱۳. اختلاط میان پسران و دختران در دانشگاه‌ها، اگر نگاه گناه‌آلود انجام نشود و ترس افتادن به حرام نباشد، اشکال ندارد؛ ولی با وجود آن سزاوار است که مسئولان کشورهای اسلامی، برنامه‌ای برای جدا ساختن مراکز تحصیلی پسران و دختران تنظیم کنند (وبگاه هدانا، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۷/۲ به نقل از خامنه‌ای، استفتاء، س ۶۴۶ و ۶۳۸؛ تبریزی، استفتانات، س ۱۵۹۲ و ۱۶۲۳؛ مکارم، استفتانات، ج ۱، س ۸۱۳؛ امام، استفتانات، ج ۳، وظایف اجتماعی زنان، س ۱۹؛ دفتر: نوری، وحید، فاضل و سیستانی).

ارتباط زن و مرد که دسته‌ای از آیات و روایات به آن اشاره دارد را می‌توان با تحلیلی فرهنگی - ارتباطی نمایان کرد. به این منظور ابتدا مدل ارتباطی منبع معنی را ارائه کرده و در انتها تحلیل مذکور را ارائه داده‌ایم.

۴-۲. مدل تراکنشی منبع معنی

مدل مختار مقاله حاضر، مدل تراکنشی «منبع معنی» است^{۱۴}. این مدل در آن واحد هم به فرهنگ توجه دارد و هم به ارتباطات؛ بنابراین می‌تواند یک ابزار تحلیلی قابل قبول برای تشریح اختلاط جنسی باشد. طراح مدل هم در کتاب ارتباط‌شناسی (۱۳۶۹) و هم در کتاب ارتباطات انسانی (۱۳۹۱)، در یک رویکرد گام‌به‌گام، عناصر مدل را تشریح کرده و در نهایت مدل نهایی ذیل را ارائه می‌کند:

۱۴. این مدل، اولین بار در سال ۱۳۶۹ در کتاب ارتباط‌شناسی توسط دانشمند ایرانی ارتباطات، مهدی محسنیان‌راد ارائه شده و از ترکیب انباشت علمی حاصل از مطالعه مدل‌های ارتباطی پیشینی توسط طراح آن و خلاقیت‌های قابل توجه او حاصل شده است. از این جهت می‌توان متأخر بودن مدل از مدل‌های دیگر و استفاده از تجارب علمی آنها را از نقاط قوت آن برشمرد. همین امر باعث شده که این مدل یکی از کامل‌ترین و خردنگرترین مدل‌های ارتباطی باشد و به جزئی‌ترین عناصر ارتباطی توجه داشته باشد؛ اما آنچه که سبب شده این مدل مبنای تحلیل در مقاله قرار بگیرد، تنها کامل بودن و متأخر بودن آن نیست بلکه «بومی بودن» این مدل از این جهت که توسط یک دانشمند ایرانی و در عین حال مسلمان طراحی شده، می‌باشد. تجربه سنت‌های علمی و دانشگاهی نشان می‌دهد که فعالیت‌های علمی‌ای که در پی ارائه یک طرح و ایده اولیه توسط دیگران انجام می‌گیرد، سهم به‌سزایی در رشد علم، بسط ایده و احیای آن اصلاح آن دارد.



شکل (۲): مدل فراگرد تراکنشی منبع معنی

منبع: (محسنیان‌راد، ۱۳۹۱، ص. ۴۲۵)

در جدول ذیل، عناصر این مدل تبیین شده است:

جدول (۱): تبیین عناصر مدل تراکنشی منبع معنی

حروف	مفهوم	شکل
MS	منبع معنی ارتباط‌گر	مکعب سمت راست
SCA	توانایی ارتباطی	صفحه دارای حلقه
Cs/w	نشانه قراردادی گفتنی-شنیدنی	بیضی سیاه
Cp	نشانه قراردادی نشان‌دانی	بیضی نقطه‌چین
NCp	نشانه غیرقراردادی نشان‌دانی	بیضی سفید
ES	وسیله نشانه‌گذار ارتباط‌گر	متوازی‌الاضلاع سمت راست
SS	وسیله ارسال نشانه ارتباط‌گر	دوزنقه سمت چپ
Me	محتوای پیام	طناب پیچ و خم
Ch	مجرا یا کانال	استوانه
SR	وسیله دریافت نشانه ارتباط‌گیر	دوزنقه سمت چپ
DS	وسیله نشانه‌خوانی ارتباط‌گیر	متوازی‌الاضلاع سمت چپ
M'S	منبع معنی ارتباط‌گیر	مکعب سمت چپ

حروف	مفهوم	شکل
MR	بازتاب	فلش سفید
N	پارازیت	فلش خزنده
MC	زمینه مادی	بیضی افقی بزرگ
MNC	زمینه غیرمادی	بیضی افقی کوچک

منبع: (نگارنده)

طبق این مدل، هر انسانی دارای منبع معنی‌ای است که از زمان کودکی با ورود به دوره زبان‌آموزی شکل می‌گیرد و به‌سرعت، حجم انبان معنی او افزایش می‌یابد. منبع معنی (MS) را می‌توان به‌صورت مکعبی حاوی معنی‌های انباشته شده تجسم کرد. حجم معنی‌ها در منبع معنی افراد متفاوت است، ازاین‌رو با شاخصی به نام «درجه معنی» که برای یک نوزاد تازه متولدشده تقریباً معادل صفر است و به‌تدریج بر میزان آن افزوده می‌شود و به‌طرف عدد ۱ فرضی رشد می‌یابد، نشان داده شده است.

پس از آنکه معنی به انگیزه یک هدف خاص متجلی شد، نخستین مرحله انتخاب ردیفی از هر یک از نشانه‌ها با نحوه ارائه‌ای خاص به‌منظور ساخت محتواسست. در فاصله این لحظه تا لحظه‌ای که کلماتی از دهان بیرون می‌آید - یا نوشته می‌شود - یا احمی انجام شود یا دستی به‌صورت اشاره بالا رود و به‌عبارتی پیامی ساخته شود، عاملی نقش دارد که به آن توانایی ارتباطی (SCA) گفته می‌شود. توانایی ارتباطی را می‌توان به‌صورت صفحه‌ای فرض کرد که در آن حلقه‌های بسیاری قرار دارد. از آنجاکه توانایی ارتباطی افراد یکسان نیست، در تصویر زیر سطح توانایی ارتباطی درون هرم به‌گونه‌ای جای داده شده که هرچه مساحت آن بیشتر شود به قاعده هرم نزدیک‌تر خواهد شد. اگر نوک هرم را معادل صفر و قاعده آن را معادل یک فرض کنیم، هرکس را می‌توان با درجه‌ای از سطح توانایی ارتباطی ارزیابی کرد.

در مدل منبع معنی سه دسته نشانه وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱- نشانه‌های قراردادی گفتنی - نوشتنی (CS/w)؛ ۲- نشانه‌های قراردادی نشان‌دانی (Cp)، که مشهورترین آن تصویر پرستاری است که انگشت اشاره‌اش را رو به بالا در مقابل بینی‌اش گرفته است. اگرچه این پیام به‌صورت عکس یا نقاشی است؛ اما حاوی یک

قرارداد است؛ ۳- نشانه‌های غیرقراردادی نشان‌دادنی (NCp)، بخش عمده‌ای از ارتباطات غیرکلامی را دربرمی‌گیرد. آدم‌ها ضمن صحبت با یکدیگر، با حرکات دست‌هایشان، نوع نگاهشان، نحوه ایستادنشان و حتی لباسی که در آن موقع پوشیده‌اند در حال «نشان دادن» هستند.

برای فرستادن این نشانه‌ها، «نحوه ارائه‌ای» نیاز بوده که عبارت است از: تصمیم‌هایی که منبع معنی برای انتخاب هر یک از سه نوع نشانه‌ها و چینش، تنظیم و ترتیب آنها به منظور خلق محتوا و انتخاب وسیله ارسال به صورت عامدانه یا غیرعامدانه اتخاذ می‌کند. نتیجه این تنظیم‌ها، پیچ‌وخم‌هایی است که در مدل با «محتوای پیام (Me)» مشخص شده است.

حال در آستانه تولید پیام هستیم. وقتی می‌خواهیم ارتباط کلامی برقرار کنیم، وسیله‌ای لازم است که عمل رمزگذاری یا نشانه‌گذاری را انجام دهد. وسیله‌ای که در برخی از مدل‌های ارتباطی با نام رمزگذار آمده است که در مدل منبع معنی آن را نشانه‌گذار (ES) می‌نامیم.

مسئله تفکیک وسیله نشانه‌گذاری و ارسال نشانه در تمامی انواع ارتباطات وجود دارد. به این ترتیب به دنبال تجلی معنی در منبع فرستنده و عبور این تجلی از سطح توانایی ارتباطی، پیام با مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نحوه ارائه و محتوا در وسیله نشانه‌گذاری ساخته و از طریق وسیله ارسال نشانه ارسال می‌شود. تجمیع این دو را وسیله ارتباطی یا رسانه می‌گویند. پیام به صورت نوشته روی کاغذ، صدا در هوا، جریان الکتریسیته در داخل سیم تلفن و امواج الکترومغناطیسی در فضا و غیره راه خود را طی می‌کند. تونلی را که پیام از آن عبور می‌کند کانال (Ch) می‌گوییم.

برای آنکه بتوانیم نشانه را دریافت کنیم باید وسیله دریافت نشانه داشته باشیم؛ برای مثال گوش ما یک وسیله دریافت نشانه است. در اینجا نیز دو وسیله مجزا مشغول عمل است: وسیله دریافت نشانه (SR) و وسیله نشانه‌خوانی (DS). اگرچه شکل وسیله دریافت نشانه و نشانه‌خوانی ظاهراً شبیه شکل وسیله نشانه‌گذاری و ارسال نشانه است؛ اما هر کدام معکوس دیگری است. دریافت نشانه نیز الزاماً به معنی نشانه‌خوانی پیام نیست.

فرض کنیم پیامی دریافت و سپس نشانه‌خوانی شد. پیام نشانه‌خوانی شده قبل از آنکه

در منبع معنی ارتباط‌گیر معنی خاصی را متجلی کند از سطح توانایی ارتباطی او عبور خواهد کرد. پیام پس از عبور از سطح توانایی ارتباطی ارتباط‌گیر معنی را در حافظه او متجلی خواهد کرد که نمی‌دانیم چقدر مشابه معنی مورد نظر ارتباط‌گر بوده است.

بازخورد فرایندی است که در اثر تفسیر و ارزیابی معنی متجلی‌شده ناشی از دریافت پیام در ارتباط‌گیر روی می‌دهد که با فلش‌های سفیدی نشان داده شده است. در این مدل اصطلاح بازتاب پیام (MR) مطرح شده که بازخورد نیست بلکه اگر ارتباط‌گر پس از دریافت بازتاب، آن را تفسیر و ارزیابی کرده و در ادامه ارتباط خود لحاظ نماید، بازخورد شکل می‌گیرد. به عبارتی بازتاب پیام مربوط به کنش ارتباط‌گر است و بازخورد مربوط به کنش ارتباط‌گیر است؛ البته این بازتاب هم ممکن است ارادی و عمدی و هم غیرارادی و غیرعمدی باشد.

هر نوع نیرویی که در یک ارتباط کارا اختلال ایجاد کند را پارازیت (N) گویند. پارازیت نه روی یک عنصر بلکه بر روی تمامی عناصر فراگرد تراکنشی ارتباط اثر می‌گذارد. زمینه‌های ارتباط عبارت است از:

- ۱- زمینه مادی (MC): زمینه فیزیکی مربوط به مکانی است که ارتباط در آن برقرار می‌شود و شامل مکان‌ها و محیط‌های ملموس و مشخص می‌شود که ارتباط داخل آنها در حال برقراری است، مانند یک تالار و یک پارک. درک زمینه مادی، سریع‌تر و ملموس‌تر از زمینه غیرمادی دریافت می‌شود. به همین دلیل در مدل منبع معنی به صورت اولین لایه سپهر حاکم بر فراگرد تراکنشی ارتباط نمایش داده شده است.
- ۲- زمینه غیرمادی (MNC): ارتباطاتی که در مراسم عروسی، امکان بروز می‌یابد، هرگز در یک مراسم تشییع جنازه امکان بروز ندارد؛ زیرا اگرچه زمینه مادی آنها یکسان است؛ اما زمینه غیرمادیشان تفاوت دارد. دومین لایه سپهر حاکم بر فراگرد تراکنشی ارتباط ابعاد مختلفی دارد: بُعد روانی که حالات فکری اشخاص و جوّ حاکم بر ارتباط را دربرمی‌گیرد^{۱۵} (محسنیان‌راد، ۱۳۹۱، صص. ۵۹۳-۶۲۰).

۱۵. افزودن مقوله زمینه به مدل منبع معنی یکی از مهم‌ترین تمایزهای طرح این شبه‌نظریه در ارتباط‌شناسی ۱ و ۲ است که این مدل را از صرف یک مدل ارتباطی به یک مدل فرهنگی - ارتباطی بدل کرده است.

۵. تحلیل ارتباطی - فرهنگی اختلاط جنسی

حال به اصل مسئله می‌رسیم که آیا دو رویکرد قرآنی - روایی مذکور قابل جمع‌اند؟ به نظر می‌رسد که منظرگاه فرهنگی و ارتباطی به‌خوبی می‌تواند جمع بین دو رویکرد را توجیه نماید. در ادامه تلاش می‌کنیم که از منظری فرهنگی و ارتباطی پدیده اختلاط جنسی را تبیین نماییم.

آیات و روایات ما را به این سمت رهنمود می‌کنند که اصل اختلاط و نفس آن حرام نیست؛ اما مسئله و چالش زمانی است که اتفاق‌های فرهنگی و ارتباطی ذیل بروز می‌یابد: ارتباط عبارت است از جریان، فراگرد یا تراکنش جابه‌جایی پیام میان حداقل دو منبع معنی مشروط بر آنکه معنی متجلی‌شده در ارتباط‌گیر، مشابه معنی مورد نظر ارتباط‌گر باشد (محسنیان‌راد، ۱۳۹۶، ص. ۴۶۳). دو امر مهمی که در فرایند ارتباط نمود پیدا کرده و می‌تواند باعث مذموم شدن ارتباط بین مرد و زن نامحرم شود: ۱- معنای اشتراکی و ۲- پیام انتقالی است.

همان‌طور که در تعریف ارتباط آمده است؛ ارتباط همواره بین حداقل دو منبع معنی محقق می‌شود. ارتباط‌گر به‌عنوان یکی از دو طرف ارتباط، معنایی را مراد کرده و آن را کدگذاری می‌کند. اگر معنای مراد شده، یک معنای متلذذ و در اصطلاح عرفی جنسی شده باشد، باعث حرمت و مذموم شدن ارتباط شده و اختلاط مذموم مدنظر روایات را حاصل می‌کند؛ اما وجود معنای متلذذ از دو حال خارج نیست. یا این معنا از ابتدا مراد ارتباط‌گر بوده و یا در امتداد ارتباط به‌وجود آمده و از ابتدا مراد ارتباط‌گر نبوده است؛ که تفاوتی در حکم ارتباط نمی‌کند.

تقسیم‌بندی فوق در مورد ارتباط‌گیر نیز مفروض است. به این معنا که ممکن است از سمت ارتباط‌گر نه از ابتدا و نه در امتداد، معنای متلذذی اراده نشده باشد؛ اما این معنا از سمت ارتباط‌گیر دریافت و رمزگشایی شود. دریافت این معنای متلذذ هم ممکن است از ابتدای ارتباط و یا بعد از گذشت زمان حاصل شود که تفاوتی در حکم مذموم بودن ارتباط نمی‌کند؛ اما دلیل این امر را می‌توان منبع معنی خاص ارتباط‌گیر، وجود پارازیت در بین ارتباط، زمینه‌های مادی و غیرمادی ارتباط دانست.

حالات فوق برای معنای متلذذ را می‌توان در جدول ذیل جمع‌بندی کرد:

جدول (۲): حالات مختلف معنای متلذذ

نوع معنای اشتراکی	کنشگر ارتباطی	زمان	مصادیق	حکم
معنای متلذذ	در ارتباط‌گر	از ابتدای ارتباط	تمثیل نگاه حرام به تیر شیطان ^{۱۶}	مذموم بودن ارتباط
		در امتداد ارتباط	برگرداندن صورت فضل بن عباس توسط پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)	
	در ارتباط‌گیر	از ابتدای ارتباط	تمثیل نگاه حرام به تیر شیطان	
		در امتداد ارتباط	تمثیل امتداد نگاه به تیر شیطان ^{۱۷}	

منبع: (نگارنده)

اما کیفیت پیام انتقالی، دیگر مؤلفه ارتباط است که می‌تواند باعث مذموم شدن ارتباط شود. همان‌طور که می‌دانیم ارتباط بسته به نوع پیام، به کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌شود. ارتباط کلامی، زمانی است که جنس پیام از زبان الفبایی باشد و در غیراین صورت ارتباط غیرکلامی خواهد بود. حال اگر پیام (چه در ارتباط کلامی و چه در ارتباط غیرکلامی) از نظر عرف متشرع، نامتعارف باشد، ارتباط به امری مذموم بدل می‌شود. ذیلاً حالات مختلف پیام نامتعارف را مرور می‌کنیم:

- **ارتباط کلامی نامتعارف ارتباط‌گر:** کلام اگر به‌گونه‌ای نامتعارف باشد باعث ذم ارتباط خواهد شد. یکی از مهم‌ترین مصادیق نامتعارف بودن ارتباط بین زن و مرد نامحرم در بین متشرعه شوخی کردن است؛ بنابراین احادیثی که از شوخی با نامحرم

۱۶. حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) است که فرمودند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةَ؛ نظر شهوانی به نامحرم مانند تیری از تیرهای مسموم ابلیس است و چه بسیار لحظه‌نگاهی که باعث حسرتی طولانی مدت می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۵۹).
۱۷ در حدیثی از امام علی (علیه‌السلام) آمده که از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سؤال شد از مردی که زنی از او می‌گذرد و مرد به آن زن نگاه می‌کند. حضرت پاسخ دادند: نظر اول برای تو است و نظر دوم برضد (به ضرر) توست و نظر سوم تیری مسموم از تیرهای شیطان است، کسی که آن را برای خدا نه غیر او ترک کند خدا ایمانی به او پاداش می‌دهد که طعمش را می‌چشد (حرعاملی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۳۶۸).

پرهیز می‌دهند، مؤید ذم این نوع ارتباطند. مانند داستان ابابصیر و یا حدیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که می‌فرمایند: «هر مردی که با زن نامحرم شوخی کند، خدا به اندازه هر کلمه‌ای که با او در این دنیا سخن گفته است، هزار ماه او را در آتش حبس می‌کند»^{۱۸} (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ص. ۵۵۸). کلامی بودن این شوخی از لفظ «کلمه» که در حدیث آمده است قابل برداشت است.

– **ارتباط غیر کلامی نامتعارف ارتباط‌گر:** این قسم تمام ارتباطات غیر کلامی‌ای که حالت غیرمتعارف و غیرعرفی داشته باشد را شامل می‌شود، این قسم می‌تواند از لحن صدا حرکات چشم، استعمال عطر و... را شامل شود. در آیه ۳۲ سوره احزاب همان‌طور که بالاتر به آن اشاره شد؛ زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از رقیق کردن صدا (که امری غیر کلامی است) نهی می‌شوند. علامه طباطبایی ذیل قسمت: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»؛ پس به‌گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند. در تفسیر خود این چنین می‌نویسد: خداوند زنان پیامبر را از خضوع سخن نهی کرده است. خضوع سخن به معنای رقیق و نرم کردن کلام و سخن با مردان نامحرم است به‌گونه‌ای که آنها را به شک و شهوت برانگیزد. اما دلیل نهی جلوگیری از طمع کردن مریض دلان که همان بی‌ایمان‌ها هستند، می‌باشد^{۱۹} (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص. ۳۰۹). این آیه به روشنی اولاً، بر چگونگی کلام ارتباط‌گر (زنان پیامبر) دلالت دارد و ثانیاً، درباره چگونگی کدگشایی ارتباط‌گیر (بیمار دلان) و رسیدن به معنای جنسی شده دلالت دارد.

– **ارتباط کلامی نامتعارف ارتباط‌گیر:** امکان تحقق این قسم بدین صورت است که ارتباط‌گیر به شکل کلامی، بازخوردهایی نامتعارف نسبت به ارتباط‌گر داشته باشد؛ مثلاً در جواب ارتباط‌گر بگوید: «بله عزیزم!» یا مثلاً بگوید: «جانم بگو!» و...

– **ارتباط غیر کلامی نامتعارف ارتباط‌گیر:** این موقعیت زمانی است که ارتباط‌گیر، با عناصر پیامی غیر کلامی، به شکلی نامتعارف با ارتباط‌گر مراد شده باشد؛ مثلاً با

۱۸. مَنْ فَآكَهُ اِمْرَاةٌ لَا يَمْلِكُهَا (حَسَسَهُ اَللَّهُ) بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا اَلْفَ عَامٍ.

۱۹. نهان عن الخضوع في القول و هو ترفيق الكلام و تلبينه مع الرجال بحيث يدعو إلى الريبة و تثير الشهوة فيطمع الذي في قلبه مرض و هو فقدان قوة الإيمان التي تردعه عن الميل إلى الفحشاء.

نگاه خود (در اصطلاح عرفی نگاه هیز گفته می‌شود)، یا با تن صدای خویش در پاسخ به ارتباط گر، فضای نامتعارفی را ایجاد نماید.

جدول (۳): حالت مختلف پیام نامتعارف

نوع پیام منتقل شده	کنش گر ارتباطی	زمان	مصادیق	حکم
پیام نامتعارف	ارتباط گر	کلامی	شوخی کردن ابابصیر با نامحرم	مذموم بودن ارتباط
		غیر کلامی	نهی از رقیق کردن صدا توسط زنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)	
	ارتباط گیر	کلامی	استفاده از الفاظ نامتعارف در پاسخ به ارتباط گر نامحرم	
		غیر کلامی	برگرداندن صورت فضل بن عباس توسط پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)	

منبع: (نگارنده)

آنچه گذشت مربوط به ساحت ارتباطی اختلاط زن و مرد بود، در ادامه به ساحت دوم یعنی فرهنگ خواهیم پرداخت. ساحت فرهنگ را مرتبط با این بحث می‌توان به دو دسته مادی و غیرمادی تقسیم کرد. قسم مادی فرهنگ بر محیط ارتباط دلالت دارد. در مواردی از احادیث می‌توان اهمیت محیط ارتباط را در حکم اختلاط فهم کرد. محیط ارتباط بین زن و مرد اگر حالتی از استقرار را داشته باشد، مورد ذم روایات قرار می‌گیرد. این استقرار می‌تواند از عوامل زیادی به وجود بیاید؛ مانند خلوتی محیط ارتباط، کم‌حجمی و شلوغ بودن آن و... مهم‌ترین شاهد مثال این قسم ارتباط دختران شعیب و جلو نرفتن برای آب برداشتن از چاه و دوشادوش راه نرفتن با حضرت موسی (علیه‌السلام) است؛ اما مثال‌های روایی نیز برای این قسم موجود است: امام صادق (علیه‌السلام) به نقل از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: ای اهل عراق، خبردار شده‌ام که زنان شما در بین راه (کوچه و بازار) با مردان برخورد می‌کنند، آیا حیا نمی‌کنید؟ در حدیث دیگر آمده است که امیرمؤمنان (علیه‌السلام) فرمود: آیا حیا نمی‌کنید و غیرت ندارید که زنان شما (از منزل بیرون می‌آیند) و در بازار با اجنبی‌ها برخورد می‌کنند؟ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۵۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ص. ۵۰۱ و حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰،

ص. ۲۳۵). در حدیثی دیگر امام صادق (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می‌فرماید که پیامبر از زنان بیعت گرفت که با مردان در مکانی خلوت ننشینند^{۲۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۵۱۹) و در سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بیان شده است که ایشان روزی اشاره به یکی از درهای مسجد نبوی کردند و به یارانشان فرمودند: «اگر این در را برای بانوان اختصاص دهیم، دچار مشکل نمی‌شوند و اختلاط پیش نمی‌آید» (البانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص. ۹۳۲ و ابن حزم، بی‌تا، ج ۲، ص. ۱۳۱)؛ بنابراین مدیریت محیط ارتباط از حیث ضرورت عدم تناسب مکان فیزیکی با اختلاط برای به حداقل رساندن آن، مورد تأکید روایات است.

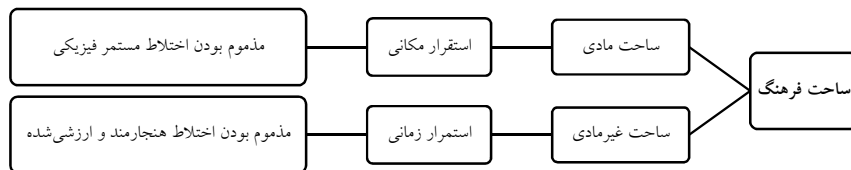
اما قسم غیرمادی ساحت فرهنگی بر ارزش‌پنداری و عرفی شدن اختلاط به جهت استمرار ارتباطی تمرکز دارد. به این معنا که زن و مرد نامحرم اگر به گونه‌ای ارتباط برقرار کنند که اولاً، مستمر باشد و ثانیاً، همین استمرار، اختلاط را تبدیل به یک ارزش کرده و در اصطلاح آن را بدل به یک هنجار عرفی کند، آنگاه این اختلاط مذموم و مورد نهی شارع قرار می‌گیرد.

در تشریح بیشتر باید گفت که ساحت فرهنگ، سه مؤلفه بینش، گرایش و کنش را دربرمی‌گیرد که ارتباطی متقابل بین آنها برقرار است (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۹۶). حال اگر ساحت محیطی فرهنگی، سبب بروز ارتباط (کنش) مستمر میان زن و مرد نامحرم شود، این کنش و ارتباط مستمر حتی اگر دارای معنای متلذذ یا پیام نامتعارف نباشد، بر حوزه بینشی افراد اثر گذاشته و اختلاط را تبدیل به یک ارزش پنهان و بدیهی و یک هنجار عرفی پذیرفته شده، می‌کند. به نظر می‌رسد مذاق شارع مقدس با عادی شدن اختلاط بلکه زیاد شدن آن مخالف باشد. به بیان دیگر، این دأب در شارع وجود دارد که اختلاط در جامعه حداقلی باشد و این بدان معناست که نباید عرف جامعه بشود. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در حدیثی از صحبت کردن بیش از پنج کلمه زن - در صورت ضرورت داشتن - با غیرهمسر و غیرمحرم نهی می‌کنند^{۲۱} (ابن

۲۰. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شُمُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مِسْمَعِ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: فِيمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) مِنَ التَّبِيعَةِ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَبِينَ وَلَا يَقْعَدْنَ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ.

۲۱. نَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عَبْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ.

بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۶). به نظر می‌رسد پنج کلمه در اینجا واقعاً به معنای پنج کلمه نیست بلکه کنایه‌ای بر ضرورت کم صحبت کردن با نامحرم و عندالضروره بودن آن است. به‌دیگرسخن، هدف از این نهی، جلوگیری از عادی شدن اختلاط است؛ چراکه بیش از پنج کلمه صحبت کردن استعاره‌ای از طولانی شدن ارتباط و استمرار آن است که باعث ایجاد یک بینش و گرایش عمومی نسبت به آن و سهولت در ارتباط بین زن و مرد نامحرم و درنهایت تبدیل اختلاط به یک ارزش اجتماعی می‌شود.



شکل (۳)

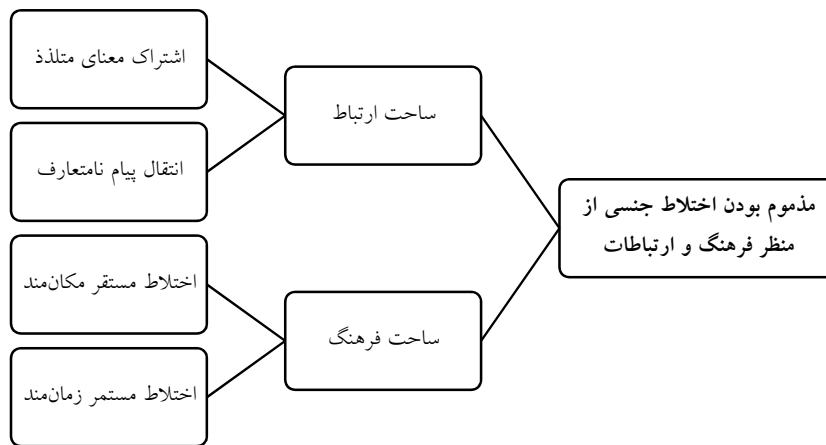
منبع: (نگارنده)

نتیجه‌گیری

از منظر فرهنگی و ارتباطی، اختلاط جنسی میان زن و مرد به معنای «شکل‌گیری ارتباط کلامی و غیرکلامی بین دو یا چند زن و مرد در یک فضای مشترک فیزیکی یا مجازی» یک موقعیت خاص از منظر اسلامی است و چهارچوب‌های ویژه‌ای بر آن حاکم است. مروری بر آیات و روایات نشان می‌دهد که با دو نوع موضع‌گیری مواجه هستیم. بخشی از روایات، اختلاط را مذموم برشمرده و بر این اساس، فتوای شرعی برخی فقهاء، حرمت اختلاط بین زن و مرد نامحرم بود. درمقابل، برخی دیگر از روایات اختلاط را مجاز برشمرده و بر این اساس، فتوای شرعی برخی دیگر از فقهاء، حلیت اصل اختلاط بود. بر همین اساس، این سؤال به شکل جدی مطرح شد که حکم اصل اختلاط در اسلام چیست و به‌ویژه از منظر فرهنگی و ارتباطی، این دو خط روایی چگونه قابل جمع هستند.

یافته‌های این مقاله، نشان می‌دهد که اصل اختلاط در فرهنگ اسلامی مجاز است؛ اما اگر یکی از موقعیت‌های فرهنگی و ارتباطی ذیل رخ دهد، اختلاط مذموم و غیرمجاز

خواهد بود:



شکل (۴)

منبع: نگارنده

به نظر می‌رسد این نوع صورت‌بندی فرهنگی و ارتباطی از اختلاط می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاری فرهنگی - ارتباطی اختلاط در جامعه اسلامی باشد. سیاست‌گذاری‌ای که دامنه آن تا مدیریت فرهنگی ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها و حتی بازار قابل امتداد است.

کتابنامه

- قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۷۸). چکیده تاریخ پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم). به کوشش ابوالقاسم گرجی تلخیص جعفر شریعتمداری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- آیین و نند، صادق (۱۳۸۵). تاریخ زنان در صدر اسلام. تهران: برگ زیتون.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). امالی (للمصدق). تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). الخصال (ج ۲). ترجمه کمره‌ای، تهران: کتابچی.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی، قم: نسیم کوثر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. مصحح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حزم الاندلسی، ابو محمد علی بن احمد بن سعید (بی تا). *المحلی فی شرح المجلسی بالحجج و الاثار*. بی جا: بیت افکار الدولیه.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۵ق). *السیره النبویه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امامی راد، احمد (۱۳۹۳). *بررسی فقهی تفکیک جنسیتی*. مجله مطالعات فقه تربیتی، ۱(۱)، ۱۱۱-۱۳۷.
- البانی، محمد ناصرالدین (۱۴۰۸ق). *صحیح الجامع الصغیر و زیادته الفتح الکبیر*. بیروت: المكتب الاسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). *الجامع المسند الصحیح المختصر من مسائل رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)*. بیروت: دارالفکر.
- بهجت، محمدتقی (۱۳۸۶). *استفتائات*. قم: دفتر حضرت آیت الله العظمی محمدتقی بهجت.
- جلالی کندری، سهیلا (۱۳۸۲). *حضور نظامی زنان در صدر اسلام*. فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها)، ۲(۴۶ و ۴۷)، ۹۹-۱۲۴.
- جلالی کندری، سهیلا (۱۳۸۴). *آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام*. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱(۴)، ۶۵-۹۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). *زن در آئینه جمال و جلال*. قم: اسراء.
- حجازی دوست، زهرا (۱۳۹۷). *زن در سنت و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)* در جامعه، پرتال امام خمینی (رحمت الله علیه).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیعی، ناصر (۱۳۹۷). *ویژگی های حضرت خدیجه (سلام الله علیها)*. مجله فقه و اصول

مبلغان، (۲۲۷)، ۱۱۵-۱۲۱.

سیدی، حسین (۱۳۸۴). *نگین هستی ناگفته‌هایی از زندگی و شخصیت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)*. قم: خادم الرضا.

شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). *نهج‌البلاغه*. مترجم محمد دشتی، قم: مشهور. صافی، لطف‌الله (۱۳۸۵). *جامع الاحکام*. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.

صدیق اورعی، غلامرضا؛ فرزانه، احمد؛ باقری، مهدیه و محمدی، سیده شیوا (۱۳۹۸). *مبانی جامعه‌شناسی مفاهیم و گزاره‌های پایه*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵). *مکارم الأخلاق*. ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران: فراهانی.

طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۹). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*. ترجمه عبدالله محمدی و مهدی هوشمند، قم: دارالتقلین.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *احتجاج علی أهل اللجاج*. تعلیقات محمدباقر الموسوی الخراسان، بیروت: منشورات الاعلمی.

طبری، ابوجعفر (۱۳۸۷ق). *تاریخ الطبری «تاریخ الرسل و الملوک»*. بیروت: دارالتراث. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.

عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ عمید*. ویراستار عزیزالله عزیززاده، تهران: راه رشد. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *گزیده کافی*. ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران: علمی و فرهنگی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، محقق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

کافی، مجید (۱۳۹۲). *فرهنگ دینی مفاهیم نظریه‌ها راهکارها در گفتگو با صاحب‌نظران*.

قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کرمانی، فهیم (۱۳۷۴). *چهره زن در آینه اسلام و قرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. کهنتری، محسن؛ گل محمدی، جعفر و میرعظیمی، حمیدرضا (۱۳۹۸). تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی؛ نسبت سنجی دیدگاه‌ها با آموزه‌های دین. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۲(۳۱)، ۲۵۱-۲۷۰.

ماهینی، انسیه و دیره، عزت (۱۳۹۱). پژوهشی در ارتباط دختر و پسر در دانشگاه‌ها و نقد دیدگاه‌ها. *پژوهش‌نامه اخلاق*، ۱۶(۲)، ۸۶-۱۰۹.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. محسنیان‌زاد، مهدی (۱۳۹۶). *ارتباط شناسی ویرایش ۲: با تجدید نظر و اضافات*. تهران: سروش.

مسلم، ابوالحسن القشیری النیسابوری (بی‌تا)، *المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل الی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نصراللهی، محمدصادق؛ جوهری، محسن؛ فاضلی، محمدعلی و قائمی‌راد، محمد (۱۳۹۹). *الگوی تفاوت‌های فرهنگی از منظر قرآن کریم، با تأکید بر تفسیر المیزان*. *فصلنامه نامه فرهنگ و ارتباطات*، ۲(۸)، ۱۸۷-۲۲۰.

واقدی، ابوعبدالله محمدبن عمر (بی‌تا). *المغازی*. قم: نشر دانش. ویسی، صالح (۱۳۹۵). *اختلاط زن و مرد در مجالس، پژوهش‌شکده امر به معروف و نهی از منکر قم*.

وبگاه هدانا به آدرس: <https://hadana.ir>

